



ائتلافی علیه اسرائیل؛ پشت پرده نشست قاهره چیست؟

با نزدیک شدن به نشست چهارم کشورهای مصر، عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان در قاهره، گمانه‌زنی‌ها درباره ماهیت واقعی این سازوکار منطقه‌ای افزایش یافته است.

با نزدیک شدن به نشست چهارم کشورهای مصر، عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان در قاهره، گمانه زنی‌ها درباره ماهیت واقعی این سازوکار منطقه ای افزایش یافته است.

خبرگزاری مهر، گروه بین الملل: با نزدیک شدن به نشست چهارم کشورهای مصر، عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان در قاهره، گمانه زنی‌ها درباره ماهیت واقعی این سازوکار منطقه ای افزایش یافته است. هرچند مقامات چهار کشور همچنان از ادبیاتی محتاطانه مانند «هماهنگی»، «رایزنی» و «همکاری منطقه ای» استفاده می کنند، اما بسیاری از ناظران معتقدند تحولات پرشتاب خاورمیانه، به ویژه پس از جنگ غزه، تجاوزات مکرر رژیم صهیونیستی به لبنان، سوریه و ایران و همچنین کاهش اعتماد به تضمین های امنیتی آمریکا، زمینه شکل گیری یک آرایش جدید منطقه ای را فراهم کرده است.

نشست پیش روی قاهره چهارمین دور از رایزنی های مشترک میان این چهار کشور منطقه ای محسوب می شود. پیش از این، سه نشست در ریاض، اسلام آباد و آنتالیای ترکیه برگزار شده بود. اگرچه در ظاهر هدف این نشست ها بررسی راهکارهای کاهش تنش و مدیریت بحران های منطقه ای عنوان شده است، اما بررسی روند تحولات نشان می دهد دستورکار این نشست ها به تدریج از بحث های صرفاً دیپلماتیک فراتر رفته و به موضوعات راهبردی تری همچون ترتیبات امنیتی منطقه، امنیت انرژی، حفاظت از مسیرهای دریایی و آینده نظم سیاسی خاورمیانه گسترش یافته است.

مقابله با سیاست های تهاجمی اسرائیل

بسیاری از تحلیلگران منطقه ای بر این باورند که عامل اصلی نزدیک شدن این چهار کشور، سیاست های تهاجمی رژیم صهیونیستی در منطقه است. جنگ غزه که از اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، حملات گسترده اسرائیل به لبنان، تجاوزهای مکرر به خاک سوریه و در نهایت جنگ علیه ایران، موجب شد بسیاری از کشورهای منطقه نسبت به پیامدهای بلندمدت سیاست های تل آویو احساس نگرانی کنند.

از نگاه این تحلیلگران، مسئله فقط یک جنگ یا یک بحران مقطعی نیست؛ بلکه نگرانی اصلی به پروژه ای باز می گردد که مقامات اسرائیلی بارها از آن سخن گفته اند؛ پروژه ای مبتنی بر بازطراحی نظم منطقه ای از طریق قدرت نظامی و تحمیل معادلات جدید به کشورهای منطقه.

اظهارات متعدد بنیامین نتانیاهو درباره «تغییر نقشه خاورمیانه» در سال های اخیر، در بسیاری از پایتخت های منطقه به عنوان نشانه ای از تمایل اسرائیل برای گسترش نفوذ و مداخله در ساختارهای امنیتی کشورهای منطقه تلقی شده است. از همین رو، بسیاری از ناظران معتقدند همکاری فزاینده میان مصر، عربستان، ترکیه و پاکستان را باید در چارچوب تلاش کشورهای منطقه برای ایجاد نوعی موازنه در برابر این روند ارزیابی کرد.

در همین چارچوب، برخی مقامات و رسانه های اسرائیلی نیز نسبت به شکل گیری آنچه «محور سنی جدید» نامیده اند ابراز نگرانی کرده اند. بنیامین نتانیاهو چند ماه پیش به صراحت از احتمال شکل گیری یک محور منطقه ای جدید سخن گفت که می تواند در آینده به چالشی برای اسرائیل تبدیل شود. پیش از او نیز برخی شخصیت های سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی نسبت به نزدیکی ترکیه، مصر، عربستان و پاکستان هشدار داده بودند.

نگرانی اسرائیل از همکاری های امنیتی و دفاعی ۴ کشور

نگرانی تل آویو تنها به ابعاد سیاسی این همکاری محدود نمی شود. آنچه بیش از همه محافل امنیتی اسرائیل را نگران کرده، احتمال گسترش همکاری های امنیتی و دفاعی میان این کشورهاست. در سال های اخیر روابط قاهره و آنکارا پس از یک دوره طولانی تنش، وارد مرحله جدیدی شده است. دیدارهای مکرر مقامات دو کشور، توسعه همکاری های اقتصادی و از سرگیری برخی همکاری های نظامی و امنیتی نشان می دهد دو طرف در حال عبور از اختلافات گذشته هستند.

در همین حال، همکاری های دفاعی میان عربستان سعودی و پاکستان نیز وارد مرحله جدیدی شده است. امضای توافق های امنیتی و نظامی میان ریاض و اسلام آباد، به ویژه در شرایطی که پاکستان یکی از معدود قدرت های هسته ای جهان اسلام محسوب می شود، توجه بسیاری از تحلیلگران را به خود جلب کرده است.

از منظر راهبردی، اهمیت این همکاری ها زمانی بیشتر می شود که در کنار کاهش اعتماد کشورهای منطقه به آمریکا مورد بررسی قرار گیرد. طی سال های گذشته بسیاری از دولت های منطقه به این جمع بندی رسیده اند که واشنگتن دیگر تمایل با توان سابق برای تضمین امنیت متحدان خود را ندارد. تحولات افغانستان، ناتوانی آمریکا در مهار بحران های منطقه ای و نوسانات مکرر سیاست خارجی این کشور موجب شده بسیاری از بازیگران منطقه ای به دنبال ایجاد سازوکارهای امنیتی مستقل تر باشند.

در این میان، جنگ اخیر علیه ایران نیز نقش مهمی در تسریع این روند ایفا کرد. بسیاری از کشورهای منطقه مشاهده کردند که یک درگیری گسترده می تواند در مدت کوتاهی امنیت انرژی، تجارت دریایی و ثبات اقتصادی کل منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، بحث درباره ایجاد ترتیبات امنیتی جدید و سازوکارهای منطقه محور بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده است.

از نگاه جمهوری اسلامی ایران، امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود و دخالت قدرت های فرامنطقه ای نه تنها کمکی به ثبات نمی کند، بلکه خود عامل اصلی بسیاری از بحران هاست. تهران طی سال های گذشته بارها بر ضرورت شکل گیری سازوکارهای امنیتی بومی و همکاری میان کشورهای اسلامی و منطقه ای تأکید کرده است.

در چنین شرایطی، هرگونه نزدیکی میان قدرت های مهم منطقه ای را می توان گامی در جهت کاهش وابستگی به بازیگران خارجی و حرکت به سمت ترتیبات امنیتی مستقل تر ارزیابی کرد. هرچند ایران عضو این سازوکار چهارجانبه نیست، اما بسیاری از اهداف اعلامی آن از جمله مخالفت با جنگ، جلوگیری از گسترش بی ثباتی و تأکید بر راه حل های منطقه ای با مواضع اعلام شده تهران همپوشانی دارد.

با این حال، مسیر تبدیل این همکاری به یک ائتلاف منسجم و پایدار آسان نخواهد بود. اختلاف دیدگاه ها درباره برخی پرونده های منطقه ای، رقابت های ژئوپلیتیکی و تفاوت در اولویت های سیاست خارجی کشورهای عضو همچنان از جمله موانع پیش روی این روند محسوب می شود.

علاوه بر این، آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز به دقت تحولات مربوط به این همکاری را دنبال می کنند. گزارش های منتشر شده در رسانه های غربی و اسرائیلی نشان می دهد تل آویو نسبت به هرگونه همگرایی امنیتی میان کشورهای مهم منطقه حساسیت ویژه ای دارد. از نگاه اسرائیل، شکل گیری هر سازوکاری که بتواند موازنه قدرت منطقه ای را تغییر دهد، به معنای محدود شدن آزادی عمل این رژیم در آینده خواهد بود.

جمع بندی

با وجود این چالش ها، واقعیت آن است که تحولات دو سال گذشته خاورمیانه بسیاری از معادلات سنتی را دگرگون کرده است. جنگ غزه، شکست پروژه های عادی سازی، افزایش مخالفت افکار عمومی جهان اسلام با سیاست های اسرائیل و کاهش اعتماد به نقش آمریکا، شرایط جدیدی را به وجود آورده که در آن کشورهای منطقه بیش از گذشته به سمت همکاری های درون منطقه ای سوق پیدا کرده اند.

نشست قاهره را می توان در همین چارچوب ارزیابی کرد؛ نشست که اگرچه هنوز عنوان «ائتلاف» یا «اتحاد» بر خود نگرفته است، اما می تواند یکی از مهم ترین نشانه های شکل گیری نظم جدیدی در منطقه باشد؛ نظمی که در آن کشورهای منطقه تلاش می کنند بدون اتکا به قدرت های خارجی، درباره امنیت و آینده خود تصمیم بگیرند.

در نهایت، مهم ترین پیام این روند آن است که بسیاری از بازیگران منطقه دیگر حاضر نیستند سرنوشت خاورمیانه صرفاً در تل آویو، واشنگتن یا سایر قدرت های فرامنطقه ای تعیین شود. به نظر می رسد ایده «امنیت منطقه توسط کشورهای منطقه» بیش از هر زمان دیگری در حال تبدیل شدن به یک ضرورت راهبردی است؛ ضرورتی که نشست قاهره می تواند گام دیگری در مسیر تحقق آن باشد.